



زاد المیرزا اسماعیل صاحب علم و کرامت که در شهر تبریز متولد شده و

مقامات عالی رتبه را در وقت قاجار و در عهد سلطنت ناصرالدین شاه

در عهد قاجار و نیز در عهد قاجاریت در مقامات عالی رتبه در تبریز و

در تبریز و در عهد قاجاریت در مقامات عالی رتبه در تبریز و

در تبریز و در عهد قاجاریت در مقامات عالی رتبه در تبریز و

تبریز - خاندان قاجاریه

*[Faint bleed-through text from the reverse side of the page]*

هدیه از جانبی که سلام کنم مرا از سر شکرها ماموم همراه با بیعتی  
 شور و شوق و اشتیاق دیدار کردیم که هرگز در دنیا نکرده بودیم و دلالت  
 گرفتار صلیح بر اینست که در این محراب الهی طاعت آن بزرگوار را شکر  
 آرام گویم جان من است بهیم خودم غمزه فراموشی مرا نماند و در حق خودم و در دست  
 خودم بر سر هر کس که حاضر بودم صلیح و در آن محراب با فرات از حجاب تا بر سر هر کس که  
 در صلا الحرفی کنم خودم جان یا دیگران محراب خودم در آن وقت است (عذرانی)

مرادش بر فرد بیاد تو که در آن وقت است صلیح محراب منم فردان از این طرف  
 تا عمر دردم بر آن فراموشی که این صفا از دردم حکیم و یاد دیگر که بیست دو باره که در آن وقت بود  
 منم نیزم بر آن در آن وقت است در آن وقت است در آن وقت است

و فردا که در آن وقت است و هر که در آن وقت است که در آن وقت است و در آن وقت است  
 به تو که سلام بر من از تو که منم نیزم - هر که در آن وقت است که در آن وقت است  
 خودم نیزم به آن که در آن وقت است که در آن وقت است که در آن وقت است  
 هر که در آن وقت است که در آن وقت است که در آن وقت است که در آن وقت است

صفتی است که در آن بر سر کلاهها اسب دردم در هر کجی

در هر کجی در هفتاد و هشتاد و نه خمر شیرین و شیرین و شیرین و شیرین

انجام میدهم و همچنین به ازدم رسیم و شادیم و اسب دردم دوباره پیش

صلی و شالم همه فاسد است همه و همه و همه و همه و همه و همه

لکن از آن به ازدم در آن خطه منطوقی معانی است آن دردم کردیم

شکر در دست ما شکر است از آن شیرین شیرین شیرین شیرین شیرین

شکر در دست ما شکر است از آن شیرین شیرین شیرین شیرین شیرین

شکر در دست ما شکر است از آن شیرین شیرین شیرین شیرین شیرین

شکر در دست ما شکر است از آن شیرین شیرین شیرین شیرین شیرین

شکر در دست ما شکر است از آن شیرین شیرین شیرین شیرین شیرین

شکر در دست ما شکر است از آن شیرین شیرین شیرین شیرین شیرین